

حرفِ آخر

آیدین آغداشلو

مجموعهٔ مقالات از ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۳



انستیتوت کتب آذربایجان



انتشارات دید

فهرست

۱۱مقدمه
۱۳ درباره کمال الملک / نه فقط به خاطر نقاشی هایش
۱۷ حلقه نادیده نقاشی معاصر ایران / مقدمه‌ای بر آثار علی اصغر پتگر و دوران او
۲۱ درباره بهمن محمص / مکاشفه جهانی روبه زوال
۲۵ درباره ناصر عصار / جهانی وهم آلود و شاعرانه
۲۷ یک مصاحبه / خلاقیت خطرناک است
۳۳ درباره ژازه طباطبایی / سرشار از لطف و آسودگی
۳۵ درباره کامران کاتوزیان / پیشتاز مهجور
۳۷ درباره محمد بهرامی / معلم جوانی من
۳۹ درباره مرتضی ممیز / مسئولیت‌های یک آغازگر
۴۵ درباره ممیز / ... که یاران همه رفتند
۴۹ درباره قباد شیوا / عصری که خوب آغاز شد
۵۱ گفتگو با ابراهیم حقیقی درباره کتاب صد سال اعلان و پوستر فیلم / یک سند ارزشمند و ماندگار
۵۷ درباره پوسترهای تئاتر / زمزمه‌ای با مخاطبان اندک
۵۹ درباره علیرضا آستانه / جوانی و معصومیت
۶۱ درباره خسرو حسن زاده / ترکیب غریزه و شعور
۶۳ درباره مسعود معصومی / مسعودرند
۶۵ شب‌هایی پر از گفت و گوهای ملایم / با باد و خاطره نیما پتگر
۶۷ درباره فخری گلستان / درخت‌های خاطره
۶۹ درباره غزاله علیزاده / شیدایی طلب مرگ
۷۱ درباره نیما یوشیج / همه ما به نیما مدیونیم
۸۱ درباره صادق هدایت / آغازگر غمگین

۳۰۹ دربارهٔ دوسالانۀ نگارگری / ماوارث معنای اجدادمان هستیم
 ۳۱۷ دربارهٔ خوشنویسی / وسوسۀ سال‌های دراز
 ۳۲۹ دربارهٔ خوشنویسی امروز / در جستجوی مکانی تازه
 ۳۲۵ تاریخچه‌ای مختصر / دربارهٔ یک مرقع محفوظ در آستان قدس رضوی
 ۳۳۵ دربارهٔ فیلم «آسیاب بادی و صلیب» / در تجلیل چرخهٔ حیات
 ۳۴۱ دربارهٔ فیلم مانی حقیقی / مراسم دفن یک پاترول سالم در تپه‌های لواسان
 ۳۴۵ مقدمه‌ای بر نسخهٔ خطی قرآن کریم / به خط ابراهیم سلطان تیموری
 ۳۵۱ میرزا غلام‌رضای اصفهانی / دربارهٔ تابلوی خط میرزا غلام‌رضای اصفهانی
 ۳۵۳ هر که آمد عمارتی نو ساخت
 ۳۵۷ جفا بر «فردوسی» در «توس» / از روی عمد است یا کج سلیقتی؟
 ۳۶۱ اخلاق و هنر / هنر عین اخلاق و اخلاق عین هنر است
 ۳۷۱ دربارهٔ کامران شیردل / پدر خواندهٔ سینمای مستند ایران
 ۳۷۳ دربارهٔ سینمای ملی / جای خالی خاطرهٔ بلافاصله
 ۳۸۵ بهانه‌های کوچک خوشبختی / یک گفتگوی کوتاه
 ۳۹۱ یک مصاحبه / دربارهٔ پیرهای خردمند
 ۳۹۵ یک مصاحبه / دست از سر آدم‌ها بردارید
 ۴۰۱ دربارهٔ هزار و یک شب / نقاشی‌های صنیع الملک
 ۴۰۹ جای مناسبی برای بیتوته / گزارشی از سال‌های جوانی در کافهٔ نادری
 ۴۱۳ دربارهٔ داریوش شایگان / باغ بزرگ زرگنده
 ۴۱۵ سقوط امپراطوری نقد / از دیرباز تا به امروز
 ۴۱۹ خم و چم بازار کار / وقتی یک اثر تمام می‌شود دیگر به هنرمند ربطی ندارد
 ۴۵۲ اقتصاد هنر امری حرفه‌ای است / توضیحی برای واضحات!
 ۴۲۷ دربارهٔ رابطهٔ نقاش‌ها و دیوان حافظ / چالشی خطیر و ناممکن
 ۴۲۹ دربارهٔ نقاشی و حرف‌های دیگر / گفتند فسانه‌ای و ...
 ۴۴۵ انهدام عصر ما
 ۴۶۱ سال شمار زندگی آیدین آغداشلو

۹۹ دربارهٔ دکتر ناصر وثوقی / اندیشه و هنر تیول کسی نیست
 ۱۰۱ دربارهٔ جلال آل احمد / همه از او حساب می‌بردند
 ۱۰۷ دربارهٔ احمد شاملو / شاعر بزرگ جوانی من
 ۱۰۹ دربارهٔ احمد شاملو / آن غول زیبا
 ۱۲۵ دربارهٔ فروغ فرخزاد / حس درخشان و ظریف
 ۱۳۱ دربارهٔ عباس کیارستمی / هنرهای دیگر او
 ۱۳۷ دربارهٔ بیژن الهی / آن نابغهٔ نامعمول شگفت‌انگیز
 ۱۴۳ دربارهٔ احمد رضا احمدی / آقای اردیبهشت
 ۱۴۹ دربارهٔ علی حاتمی / سپیدپوش ایستاده در قایق
 ۱۴۵ سفر نهایی / نمونه‌ای نامکرر
 ۱۶۱ صحبتی با محمدعلی سپانلو / ما پشت سایهٔ شب پنهان می‌شدیم
 ۱۷۵ صحبتی با عباس کیارستمی / هزار توی خاطره‌ها
 ۲۰۱ هنرمند و معنایش / نگاهی مختصر به امری بسیط
 ۲۱۵ اگر من توانستم ... / یک گزارش
 ۲۲۱ گزارشی از زوال سلیقهٔ عمومی / تصویر یک فاجعه
 ۲۳۵ یک مصاحبه / آدم‌ها و خاطره‌ها
 ۲۴۳ هفتاد سالگی! / جهان بدون امید، دوزخ است
 ۲۴۹ امپراطوری فراموش شده / هنر فراموش نشده
 ۲۵۵ دربارهٔ یک ظرف نقره‌ای ساسانی / جام اردشیر بابکان؟
 ۲۵۹ هنر کتاب‌آرایی در ایران / از گذشته تا به امروز
 ۲۶۷ تصویر گران / در جستجوی تصویری واقعی از شعری انتزاعی
 ۲۷۵ دربارهٔ سه مثنوی خواجوی کرمانی / درخشش رنگ‌مایه‌ای پر لمعان
 ۲۷۹ سنت و مدرنیته / تاثیرگذاری سنت در هنر مدرن ایران
 ۲۸۷ کجا ایستاده‌ایم؟ / نگاهی به نقاشی معاصر ایران
 ۲۹۵ هنر انقلابی ایران / آرزوی آغاز جهان نو
 ۳۰۱ دربارهٔ گرافیک ایران / دستاوردی صدساله

دربارهٔ کمال الملک

نه فقط به خاطر نقاشی هایش

«کمال الملک را می‌توان پل گذر نقاشی سنتی ایران، یعنی نقاشی مکتب زند و قاجار، به نقاشی واقع‌گرایانه دانست؟ و اگر چنین است، این مهم‌ترین دلیل اهمیت او در جریان نقاشی ایران نیست؟»

نقاشی واقع‌گرا - از روی عکس، مدل زنده و منظره - در دوران کمال الملک رواج داشته و نقاشان دیگر نیز با این سبک نقاشی کرده‌اند. او در واقع سنتی را ادامه می‌دهد که پیش از او آغاز شده بود. ناصرالدین شاه قاجار، در سفرهای متعدد خود به اروپا هر بار تعداد زیادی تابلوی نقاشی واقع‌گرا با خود به ایران می‌آورد. از طرفی، آمدوشد با غرب در آن زمان آغاز شده بود و کپی آثار هنرمندان غربی نیز به ایران می‌رسید. تمام اینها زمینه‌ای را فراهم کرده بود تا نقاشی واقع‌گرا در ایران جایگزین نقاشی سنتی مکتب زند و قاجار شود. کار کمال الملک هم، در واقع تداوم این خواست و نیاز و رسم زمانه بوده است. برای نمونه استاد او «مزمین الدوله» که در اروپا تحصیل کرده بود، اگر چه بیشتر کپی‌کاری می‌کرد، اما یک نقاش واقع‌گرا به شیوه غربی بود که مهارت‌های بسیاری نیز در این زمینه داشت. مصور الممالک و دیگران نیز، که در بیشتر مواقع از روی عکس و مدل‌های غربی کپی می‌کردند، مهارت زیادی در اجرای نقاشی مکتب غربی داشتند.

کمی پیش از آن کمال الملک نیز - اگر چه شیوه‌اش به مکتب زند و قاجار نزدیک است - نقاش چهره‌پرداز بسیار مشهوری بود و پرتره‌هایی که کشیده بسیار عکاسانه است و شبیه‌سازی و واقع‌گرایی در آثار او جلوهٔ بسیاری دارد. مصور الممالک، میرزا موسی و دیگران نیز در همان دوران نقاشی رنگ و روغن واقع‌گرایانه می‌کشیدند. بنابراین واقع‌گرایی در نقاشی و تأثیر این مسأله را در دوره‌های بعدی، باید در آثار عموم هنرمندان آن دوران جستجو کرد و نه فقط در آثار کمال الملک.

«یعنی خصوصیت زمان اوست که نقاشی سنتی ایران جای خود را به نقاشی غربی می‌دهد؟»

کمال الملک در این زمینه نقش مؤثری داشته، اما تنها کسی نیست که در این زمینه فعالیت کرده

است. البته هنوز کسانی در آن دوران وجود داشتند که نقاشی لاک‌ی جلد کتاب یا جلد قلمدان نقاشی می‌کردند یا با همان شیوه صنایع‌الملک صورت رجال و شخصیت‌های سیاسی زمان خود را می‌کشیدند، اما زمینه کاملاً آماده شده بود تا نقاشی واقع‌گرای غربی با شدت بیشتری گسترش پیدا کند.

< تأثیر او از مکتب سنتی نقاشی ایران چیست؟ آیا تجربه‌ای در این زمینه داشته است؟

به طور قطع. او در دوران نخست نقاشی‌اش به شدت تحت تأثیر صنایع‌الملک است و نقاشی‌هایی با همان شیوه کار می‌کند. در تک‌تک چهره‌هایی که او در این دوران کشیده، تأثیر صنایع‌الملک قابل مشاهده است.

< با این اوصاف تنها مهارت و استعداد اوست که او را از دیگر هنرمندانی که در آن زمان فعالیت می‌کرده‌اند، متمایز می‌کند؟

کمال‌الملک که در هنر ایران بدل به یک اسطوره شده، در یک خانواده هنرمند کاشانی به دنیا آمد. از جوانی شروع به کار کرد تا در دربار پذیرفته شد و هر چند که کارش در میان رجال و هنردوستان شناخته شد، اما باعث نشد مردم عادی چندان او را بشناسند، چون آثارش را نمی‌دیدند. تأثیر او در میان طبقه اعیان آغاز می‌شود و آرام آرام فزونی می‌گیرد.

< مهم‌ترین موضوعاتی که در این دوران کمال‌الملک دست‌مایه نقاشی‌های خود قرار می‌دهد، چیست؟

مجلس اشخاص، تک‌چهره‌ها، منظره‌های باغ‌کاخ‌ها - که کاخ گلستان مهم‌ترین آنهاست - و منظره‌هایی از طبیعت. او همراه ناصرالدین‌شاه به سفرهای متعدد می‌رفت و مناظر مختلف را تصویر می‌کرد. او در آخرین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه، لقب کمال‌الملک را می‌گیرد که امضای نقاشی‌هایش نیز به همین خاطر تغییر می‌کند.

< با وجود ارتباط نزدیک با ناصرالدین‌شاه، چرا به عنوان یک هنرمند درباری شناخته نمی‌شود؟

شناخته می‌شود. خیلی زود مورد توجه ناصرالدین‌شاه قرار می‌گیرد تا بعدها که پیشخدمت مخصوص همایونی می‌شود. او کارش را از دارالفنون آغاز می‌کند. حتی معلمش مزین‌الدوله هم نقاش دربار است. او به شخص ناصرالدین‌شاه علاقه داشته و صورت وی را بارها و بارها کشیده است و هر چند به عنوان یک هنرمند درباری (نقاش باشی) کار می‌کرده و به لقبش اهمیت بسیاری می‌داده، اما بسیاری از اشکالات و ناهنجاری‌های دربار ناصرالدین‌شاه را بر نمی‌تابیده است. کمال‌الملک چون به آن دستگاه خو گرفته و در آن رشد کرده بود، تا انتهای سلطنت ناصرالدین‌شاه هم چنان در آنجا باقی ماند. با آمدن مظفرالدین‌شاه شرایط تغییر می‌کند. او که ۴۰ سال ولیعهد بوده، پس از رسیدن به سلطنت گروهی از اطرافیان‌ش را که تشنه قدرت بوده‌اند با خود به تهران می‌آورد. اینها که اغلب افرادی بی‌فرهنگ بودند تمامی مشاغل مهم را قبضه می‌کنند، بی‌آن‌که اطلاعی از هنر، فرهنگ و ادبیات داشته باشند. طبیعی است کمال‌الملک نمی‌تواند نسبت به مسائل اجتماعی روزگارش بی‌توجه باشد. هواخواهی او از مشروطیت را می‌توان از نامه‌هایی متوجه شد

که از او برجا مانده و هم‌چنین از کسانی که در آن دوران معاصر او بوده‌اند. کمال‌الملک هم‌چنین تک‌چهره بسیاری از آزادی‌خواهان دوران خود را مانند صورت سردار اسعد بختیاری، عضدالملک، حاج سید نصرالله تقوی و دیگران نقاشی می‌کند که نشانه ارادت او به این موج جدید است.

< یکی از مهم‌ترین اتفاقات زندگی کمال‌الملک سفر او به اروپاست. هر چند بسیاری این خرده را بر او می‌گیرند که از جریان‌های هنری آن زمان اروپا دور ماند و بهره کافی را از آنها نبرد. نظر شما در این مورد چیست؟

با وجود سفرهای متعدد ناصرالدین‌شاه، کمال‌الملک همراه او به اروپا نمی‌رود تا در زمان مظفرالدین‌شاه که با هزینه خودش سفر می‌کند. چند سالی آنجا می‌ماند و آموخته‌های بسیاری کسب می‌کند. چون هنرمندان هم‌دوره او در ایران هنوز در نقاشی واقع‌گرا به کمال نرسیده‌اند، بنابراین خودش را موظف می‌داند در این زمینه فعالیت کند. در عین حال نمی‌شود او را ملامت کرد که چرا در اواخر قرن نوزدهم از نقاشان امپرسیونیست تأثیر نمی‌گیرد، چون مگر در آن زمان در خود اروپا چقدر به این نقاشان بها می‌دهند یا از آنها تقدیر می‌کنند؟

< در مدت زمان اندکی بعد از امپرسیونیست‌ها، نقاشان مدرن فعالیت خود را آغاز می‌کنند که کمال‌الملک از آنان نیز بی‌بهره می‌ماند.

در آن زمان دیگر کمال‌الملک به ایران بازگشته بود. ضمن این‌که مدرنیست‌ها هم در آن زمان در جوامع فرهنگی اروپا کمتر شناخته می‌شدند. آثار امپرسیونیست‌ها در بسیاری از نمایشگاه‌ها رد می‌شود و اینها بعدها نمایشگاه مردودین را تشکیل می‌دهند یا وقتی فوویست‌ها نمایشگاه می‌گذارند جلوی آثارشان نرده می‌کشند تا هنردوستان!! به کارها صدمه نزنند!